

شب عاشورا، شب وفاداری

شب عاشورا در نهضت و قیام اباعبدالله الحسین (ع) از ویژگی‌های خاص و بی‌نظیری برخوردار است.



شب عاشورا در نهضت و قیام اباعبدالله الحسین (ع) از ویژگی‌های خاص و بی‌نظیری برخوردار است.

به گزارش ایسنا، از سویی میهمانان دعوت شده در محاصره قرار گرفتند و مجبور به استقرار در بیابانی شدند که هدف آنان این محل نبوده است. از سوی دیگر، این جمعیتی که با خانواده به این منطقه آمده اند، به منظور پذیرش دعوت آمده اند، نه جنگ و قتال با این مردم. از طرفی امام(ع) با جمعیتی طرف است که هم پیمان او بودند و بر اساس پیمانی به سوی آنان آمده است؛ مردمی که بیشترین نامه دعوت را فرستاده بودند و امام(ع) بر اساس کثرت نامه، راه خود را انتخاب کرده بود.

اگر هر جمعیتی یک بار بیعت می‌کنند و به آن وفادار می‌مانند، مردم کوفه دو بار با امام خود بیعت کردند و دوبار هم بیعت شکستند. بار اول وقتی به امام(ع) دعوت نامه می‌فرستادند و او را دعوت می‌کردند. نامه بیعت با امام(ع) بود و وقتی مسلم بن عقیل به نمایندگی از امام(ع) به کوفه آمد، با او برای امام بیعت کردند.

اما این مردم دوبار بیعت شکستند. یک بار با تنها گذاشتن مسلم بن عقیل که منجر به شهادت مسلم بن عقیل شد. هنگامی که این زیاد از کوفه لشکری به فرماندهی ابن سعد راه انداخت، دعوت کنندگان و بیعت کنندگان دیروز، بیعت شکستند و به جای همراهی با امامی که او را دعوت کرده بودند و بیعت کردند، به جنگ با حضرت آمدند.

این مردم بیعت شکن در سرزمینی اجتماع کردند که مهمانشان به اجبار در آن منطقه مستقر شده بود.

از سویی دشمن در روز نهم رسماً اعلام جنگ کرده و امام(ع) یک شب را مهلت گرفته است. از سوی دیگر، لشکر ۳۰ هزار نفره کوفه در برابر لشکر کمتر از ۱۰۰ نفره امام حسین(ع) صف آرایی کرده بودند. عطش و نبود آب و تحمل سختی تحریم آب از سوی دشمن بر اصحاب امام حسین(ع) تحمیل شده است.

همه و همه اینها امشب فضای ویژه ای در سرزمین کربلا پدید آورده است .

امام(ع) وقتی از ابن سعد برای شب عاشورا وقت گرفت، فرمود: من قرآن خواندن را دوست دارم، می‌خواهم قرآن بخوانم.

امام(ع) در شب عاشورا چند کار ویژه انجام داد.

در هر فرصتی قرآن می‌خواند و عبادت می‌کرد.

همه اصحاب و یارانش را گرد خود جمع کرد و وقتی همه جمع شدند، چراغ‌ها را خاموش کرد. در تاریکی اجتماع فرمود: بیعتم را از شما برداشتم. فردا جنگ خواهد شد. جنگ با این جماعت قطعی است. هرکسی می‌خواهد صحنه را ترک کند، از تاریکی شب استفاده کرده، از این سرزمین برود. اما اگر کسی رفت، از منطقه بیرون برود که فردا صدای هل من ناصر مرا نشنود.

از این که کسی رفت یا نرفت، کمتر نوشته اند؛ شاید تعداد محدودی رفته باشند. آنچه مهم است، نقل قول یاران حضرت(ع) است؛ یارانی که پس از اطمینان از جنگ و احتمال زیاد شهادت اعلام می‌کردند که حاضرند صدها و هزاران بار در راه امام حسین(ع) قطعه قطعه شوند و باز زنده گردند و به شهادت برسند. امام(ع) وقتی این اخلاص و صفا و یکدلی اصحاب را دید، دعا کرد. آن وقت جایگاه آنان را در بهشت نشان داد.

نکته دیگری که برای شب عاشورا نوشته اند، آمادگی حضرت زینب(س) برای ادامه راه بود. امام(ع) سفارش‌های لازمه را به امام سجاد(ع) و زینب کبری(س) ارائه داد و آنان را برای سختی‌های بعدی آماده کرد.

روز عاشورا به شهادت امام(ع) و یارانش در سرزمین کربلا منجر شد و کوفیان به ظاهر پیروز میدان شدند و به عنوان قوم پیروز به خیمه‌ها حمله کردند و با آتش زدن خیمه‌ها همه دعوت‌نامه‌هایی را که برای امام(ع) فرستاده بودند، از بین بردند تا به دست

عبيدالله بن زياد نرسد و نام آنها به عنوان دعوت کنندگان فرزند رسول الله (ص) مطرح نشود.